



06/04/2015

هاشم انوری

ای وطندار عزیز تقلید بیجا میکنی!!!

بدون شک جبر روزگار و مهاجرت‌های اجباری در این مدت تقریباً 4 دهه مردم افغانستان را به سراسر جهان و مخصوصاً دو کشور همسایه ایران و پاکستان، مسکن گزین ساخت و این مهاجرت‌ها نتنها حیثیت، وقار و مردانگی مردم غیور ما را خدشه دار و زیر سوال برد، بلکه زبان و فرهنگ ما هم لطمه بزرگی دید و اما بنابر ضعف دولت 14 ساله کرزی و دار و دسته خائین اش نفوذ کشور های همسایه به یک تهاجم فرهنگی خطرناک میدل گشته است. امروز قشر به اصطلاح چیز فهم ما آنقدر تحت تأثیر فرهنگ و لهجه ایرانی قرار گرفته اند، که حتی صحبت با اصطلاحات عامیانه ایران و لهجه ایرانی را افتخار میدانند که گویا با چه ادبیات عالی تکلم مینمایند. این قشر باسواد و همه کاره ما که یک‌دهه شان میز های تلویزیونها را اجاره نموده اند بیخبر ازین اند که شنوندگان، بینندهگان و مخاطبین شان مردم عزیز افغانستان است نه مردم ایران، ایشان باید بدانند که درک و هضم اصطلاحات و لغات بی مصدر و بی پدر و مادر برای اکثریت مردم ما مشکل است. بطور مثال چند لغات و کلمات ایکه داخل زبان و ادبیات ما شده نیا مینگارم: **مشکلات / چالش، خواندن / خوانش، ملاحظه / نگرش، است / استیش، اغتشاش / خیزش، کشیدگی و مخالفت / تنش، انتخاب / کزینش، محاسبه / شمارش، میلان و رغبت / گرایش، تحقیق / پژوهش، عکس العمل / واکنش، اردو یا لشکر / ارتش، جریان / روند، اکتفاء / پسند، دوسیه / پرونده، وقفه / میان برنامه، تحقیق / بازرسی، تعقیب / پیگیری، تجدید نظر / باز خوانی، افتتاح / بازگشائی، مصرف / هزینه، اطفایه / آتش نشانی، حریق / آتشسوزی، قراردادی / پیمانکار، تشکیلات / ساختار، متقاعد / بازنشسته، دستگیر / بازداشت، مخصوص / ویژه، پکه / یادزن**

ای وطندار عزیز ای بیخبر! تقلید بیجا میکنی

حرف و لهجه را فراموش کرده ای تقلید پارس ها میکنی

تو که چند مدت در آن ملک کرده تحصیل علم

کار جایز این نباشد نام مادر را تو مامان میکنی

خانه ما **خونه** گشته، نان ما هم **نون** گشت

در هر اسم، بی سبب گفتار چو طوطیان میکنی

مای ما را **مان** کردی **اختلاف** را تو **تنش**

خبر نبینی تو خطا کار، این خطا را با زبان ات میکنی

قورمه خوشخور ما را نام نهادی تو **خورشت**

با خبر باش ناجوان با این عمل صد معده افگار میکنی

زردک بیچاره ما گشت **هویج** و **بادرنگ** ما **خیار**

چهارمغز ما **گردو**، مغز ها را سخت پریشان میکنی

شیریک مشهور ما را نام نهادی **بستنی**

مصلحت هیچگاه نباشد **ماست** را **جورغات** کنی

دفتر و دیوان و **اوراق** داشتیم در سالها

دیوان و **اوراق** را، تبدیل به **برگه** میکنی

دوسیه را **پرونده** ساختی، **خاص** را تو **ویژه** کردی

مشکلات را خوانی **چالش**، **مشکلات** زیاد میکنی

من به **قربان** ات وطندار، تو که **غریبون** میشوی

دیده و دانسته **عاشق** را، تو **عاشغ** میکنی

هاشم انوری 05/اپریل/2015

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ